



بررسی تطبیقی نقش شیر در اساطیر و هنر ایران و هند

*
مهتاب مبینی

چکیده: دو تمدن کهن ایران و هند، همواره در طول تاریخ در ارتباط با هم و دارای اشتراکات فرهنگی و هنری فراوانی می‌باشند. با بررسی اساطیر حیوانی این دو تمدن نقاط مشترک بسیاری، از فرهنگ اعتقادی مردمان آنها بر ما روشن می‌گردد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای نقش شیر را در اساطیر و به روش تطبیقی در هنر دو تمدن ایران و هند بررسی می‌کند و در روشن نمودن وجوه اشتراک و تفاوت اساطیر و هنر این دو تمدن کمک می‌نماید.

شیر در نقوش ایران نماد قدرت شاهان و نیز نماد میترا، خورشید، آتش و گرما است. همچنین شیر مرکب الهه زمین و در نقوش برجسته هخامنشی به عنوان نماد خیر و شر مجسم شده است. در هند، شیر مرکب الهه دورگا و گاه مرکب خدای گانشا است. همچنین شیر نماد بودا و از تجلیات ویشنو (خدای هندی) در زمین است. شیر در هنر ایران و هند با دیو اهریمن می‌ستیزد. در ایران نبرد شیر و شاه نماد قدرت شاه و شرارت شیر می‌باشد اما در هند شیر مرکب شاهان و خدایان است. نقش اسفنگس (ترکیب شیر با سر انسان) در هنر ایران و هند نماد مراقبت و پاسداری از مضامین مذهبی و معابد (در هند) و کاخ‌ها (در ایران) از ارواح شرور و پلیدی‌ها است.

واژه‌گان کلیدی: شیر، هنر، اساطیر، ایران، هند.

◆ مقدمه

قدمت تمدن‌های ایران و هند به چندین هزار سال می‌رسد و اشتراکات فراوانی در زمینه‌های مختلف اساطیر دارند. اساطیر بیانگر اصل آفرینش جهان، انسان، گیاهان و حیوانات است. در مورد حیوانات، نقش شیر در آثار هنری ایران و هند فراوان مشاهده می‌شود. همچنین شیر به عنوان حیوانی قدرتمند و نماد تجلی خدایان و گاه در هیأتی اهریمنی و شرور در اساطیر ایران و هند ظاهر می‌شود. بررسی تطبیقی نقش شیر در هنر و اساطیر ایران و هند، ریشه‌های مشترک فرهنگی، اعتقادی، مذهبی و نیز تفاوت‌های این دو تمدن را در زمینه سبک هنری و نمادهای حیوانی آشکار می‌سازد. همچنین ارتباط اسطوره‌های هر تمدن با آثار هنری شان روشن می‌شود.

مردم ایران و هند در طول تاریخ، حتی پیش از ورود اقوام آریایی به فلات پهناور ایران و سرزمین وسیع هندوستان با یکدیگر مبادلات فرهنگی و هنری داشته‌اند. آثار کهن سالی که در کاوش‌های موهنجودارو^۱ بدست آمده نشان می‌دهند که در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، تمدن بالنسبه پیشرفته‌ای در آن نواحی وجود

داشته است. آثار مکشوفه در هند، مشابه آثاری است که هیأت‌های باستان شناسی در فلات ایران و دره رودخانه‌های فرات و دجله از زیر خاک بیرون آورده‌اند و حکایت از این دارد که سکنه هند و ایران پیش از مهاجرت طوایف آریایی با هم ارتباط نزدیک و مداوم داشته‌اند. (دادور- منصور، ۱۳۸۵، ۴۷)

◆ مشترکات فرهنگی ایران و هند

پاره‌ای از باستان شناسان احتمال داده‌اند که ساکنان هند پیش از ورود اقوام آریایی و سکنه ایران قبل از دوره مادها و هخامنشی‌ها و همچنین سومری‌ها در بین‌النهرین، هر سه از یک اصل و تبار بوده‌اند. (همان) امروزه باور دارند که اساطیر نخستین کتاب‌های ریگ ودا معرف اساطیر آریایی است. یعنی ایرانیان و آریاییان هند، پیش از جدایی خدایان، اساطیر مشترکی داشته‌اند که در کتاب‌های مقدم ریگ ودا آثاری از آن را می‌بینیم.

در اساطیر ایران و هند دو طبقه خدایان وجود دارد. در هند اسوره‌ها و دیوه‌ها و در ایران اهوره‌ها و دیوها. اسوره‌ها یا اهوره‌ها بیشتر با مسائل معنوی و دیوه‌ها یا دیوها بیشتر

* دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (ع)

خورشید در زمین و عقاب نماد خورشید در آسمان است. نقش عقاب با شیر در هنر ایران پیوند زمین و آسمان را نشان می‌دهد. در دوره هخامنشی شیر مظهر قدرت و نیرو شناخته شده که نمونه نقش این حیوان در پرسپولیس (تخت جمشید) به دست آمده (Hinnells, 1985, p10) (تصویر ۲)

شیر در ایران به ویژه در نقوش برجسته هخامنشی به عنوان نماد شربه صورت پیکار با شاه به نمایش گذاشته شده است (دادور-منصوری، ۱۳۸۵، ۷۹) حمله شیر به گاو در نقش برجسته های هخامنشی نشان پایان سرما و آغاز گرما است (دادور-مبینی، ۱۳۸۸، ۵۳) (تصویر ۳)

در آیین مهرپرستی ایران، مقام ۳ چهارم میترا، منصب شیر می‌باشد به همین دلیل در پرده های نقاشی و سنگ برجسته‌های ایران، نقش شیر فراوان است. (آموزگار-تفضلی، ۱۳۸۱، ۱۳۵)



تصویر ۱: نقش برجسته نبرد شاه با شیر، تخت جمشید، دوره هخامنشی



تصویر ۲: سر شیر، تخت جمشید، دوره هخامنشی

با مسائل دنیوی سروکار داشتند بعدها دو تیرگی میان آریان‌ها حاصل شد، بدین معنی که، ارباب انواع خوب و خیر هندی مبعوض آریان‌های ایرانی شده و به عکس ارباب انواع بد هندیان مقبول ایرانیان شد. (دادور-منصوری، ۱۳۸۵، ۴۵)

از اشتراکات دیگر ایران و هند سنت پرستش مهر است که به دورانهای کهن باز می‌گردد. در هند دوران ودایی نام او به صورت «میترا» با مفهوم پیمان و دوستی ظاهر می‌شود که یکی از خدایان گروه فرمانرواست و با «ورونه» جفت جاودانی را تشکیل می‌دهند که از سوی مردم به یاری خوانده می‌شوند. در سنت هندی نیز همچون ایران، میترا گردونه‌ای درخشان و اقامتگاهی زرین دارد. (همان، ۴۸)

میترا در هند خدایی است بسیار کهن و احتمالاً پیش زرتشتی، ولی در سنت دینی زرتشتی، در مقامی پایین تر از اورمزد قرار می‌گیرد و آفریده او محسوب می‌شود تا از آفرینش او پاسداری کند. (بهار، ۱۳۷۵، ۱۲۸، ۱۲۴) در ایران میترا معروفترین ایزد در میان ایزدان ایرانی است و همانند هند با مفهوم پیمان و دوستی ظاهر می‌شود. او انسان‌ها را به راه راست (اشه) هدایت می‌کند، و آنها را از حمله شیاطین در امان نگاه می‌دارد. (کرتسی ۱۲، ۱۳۸۱)

از همان دوره مشترک هند و اروپایی، پرستش آتش نقش اساسی در زندگی دینی مردم هند و ایران داشت. آتش فقط مورد استفاده خانگی نداشت، بلکه برای سوزاندن نثارها، راندن ارواح خبیثه، ابطال سحر و افسون‌های نحس و شوم، تزکیه و تصفیه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. آتش در ایران بخشی از آتشدان خانگی بوده است که احتمالاً همچون در هند، دیگر شعله‌ها را از آن می‌گرفتند و همانند هند، آتش خانگی «منبع تغذیه» آتش‌های دیگر بوده است. (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷، ۵۷)

◆ شیر به روایت اساطیر ایران

شیر در ایران مظهر میترا، خورشید، گرما، تابستان، پیروزی، شجاعت، سلطنت، قدرت، نور و آتش هست. شیر در بسیاری از نقوش ایران به عنوان نیروی شر شکاری می‌شود به عبارت دیگر پادشاهان نبرد با شیر را نماد قدرت و غلبه بر شر می‌دانستند. (تصویر ۱) (جایز ۶۱، ۱۳۷۰) در دوران باستان شیر نیز همانند اسب و گوزن رباینده روح جانوران تصور می‌شد. ترسیم دم بلند برای شیر علامت اقتدار بیشتر بود. (گیرشمن، ۳۳۸، ۱۳۷۰) شیر با نماد خورشید در ایران اشاره به ساکن شدن قدرت خورشید در این حیوان دارد. در اساطیر، شیر مرکب یا اورنگ الهه زمین، به شمار می‌رفت. (دادور-مبینی، ۱۳۸۸، ۵۳) در اساطیر ایرانی خدای زروان^۲ دارای سر شیر و بدن انسان است و بعضی او را اهریمن نامیده‌اند. شیر نماد



تصویر ۴: مجسمه سنگی ناراسیمها (انسان شیر)، معبدی



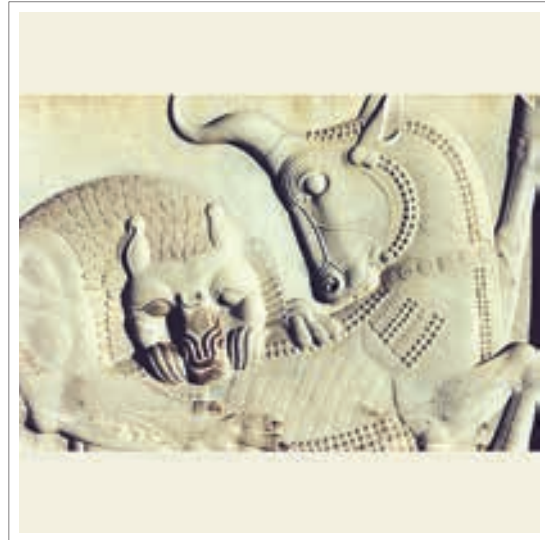
تصویر ۵: نقش برجسته نبرد الهه دورگا با دیو امیش، معبدی در مامالاپورام، هند



تصویر ۶: سر ستون سرنات، عهد آشوکا، ۲۵۰ ق م



تصویر ۷: دروازه استوپای سانچی، قرن سوم ق م، موزه باستان شناسی سرنات، هند. معبدی در هامپی، هند.



تصویر ۳: نقش برجسته حمله شیر به گاو، تخت جمشید، دوره هخامنشی.

◆ شیر به روایت اساطیر هند

در هند شیر رئیس جانوران درنده و مرکب خدایان است. در اساطیر هند خدای ناراسیمها^۴ به شکل انسانی با سر شیر از چهارمین تجلیات ویشنو^۵ در زمین می باشد و وظیفه او رهایی جهان از ستم و تهاجمات اهریمن است. (تصویر ۴)

«ویشنو در هنگام غروب (وقتی که نه روز است و نه شب)، در یکی از ستون های قصر به هیأت نیمه انسان نیمه شیر ظاهر گشت و با پنجه های قدرتمندش شکم اهریمن را درید.» (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۱۱۲)

شیر در هند مرکب الهه دورگا^۶ است. همانگونه که دورگا تجسم قدرت است مرکب او شیر نیز قدرتمندترین درندگان است.

تصاویر و نقاشی های ستیز دورگا با گاومیش در واقع نبرد خیر و شر است. (تصویر ۵) در این تصویر دورگا به همراه شیر با دیو گاومیش می جنگد و در حالیکه سر گاومیش بریده شده، دیوان از جسم او بیرون می آیند. همچنین شیر، گاهی مرکب گانشا^۷ خدای فیل شکل است. (ایونس، ۱۳۸۲، ۱۸۲).

این حیوان در هند به عنوان نمادی از شخص بودا در بسیاری از آثار دوره موریایی^۸ خودنمایی می کند. بر روی ستون آشوکا^۹ (تصویر ۶)، چهار شیر، چرخ قانون را نگاه می دارند. (هال، ۱۳۸۰، ۶۳) این ستون در سرنات^{۱۰} جایی که اولین موعظه بودا بیان شد، قرار دارد و این شیرها انعکاس تعالیم او در چهار گوشه دنیا می باشند. «تندیسه های سانچی به حرمت بودا ساخته شده اند» (بنیون، ۱۳۸۳، ۳۷) که نمونه آن مجسمه شیران به صورت یک جفت درمدخل استوپای^{۱۱} سانچی در دروازه آن قرار گرفته اند. (تصویر ۷)

◆ بررسی تطبیقی نقش شیر در اساطیر و هنر ایران و هند

شیر در اساطیر ایران گاه نماد شر و اهریمن است، این مطلب را از روی نقوش برجسته تخت جمشید که در تصویر ۱ نبرد پادشاهان با شیر را نشان می‌دهد، می‌توان دریافت. در برخی نقوش برجسته همانند تصویر ۳ حمله شیر به گاو نشانی از غلبه خیر بر شر و شیر نماد خیر و خوبی شناخته شده است و تعبیرهایی همانند آغاز سال نو و غلبه سرما بر گرما و نیز غلبه روز بر شب همه در دین زرتشت نمادی از غلبه خیر بر شر می‌باشد. ما در هند، شیر رئیس جانوران درنده و مرکب خدایانی چون الهه دورگا است و وی را در نبرد با دیو گاو میش همراهی می‌کند که در تصویر ۵ به عنوان مرکب الهه به ستیز با شر می‌رود. در اینجا با مقایسه دو نبرد اساطیری در ایران و هند پی به شباهت نقش شیر در هنر دو تمدن می‌بریم. در نقش برجسته هخامنشی نماد خیر و در نقش برجسته هندی نیز نماد خوبی و مرکب خدایان است که با شر می‌ستیزد.

یکی از مقامها یا تجلیات میترا در آیین مهرپرستی، شیر می‌باشد در واقع مقام چهارم میترا منصب شیر است. این در حالی است که در هند ویشنو خدای پاسدار و نگهدارنده در تجلی چهارم خود به هیأت نیمه انسان نیمه شیر با عنوان ناراسیمها در می‌آید که به مبارزه با شر و پلیدی می‌رود. در تصویر ۶ سر ستون سرنات، با نماد های شیر نر، چرخ، زنگ و چهار جانور اساطیری مربوط به عهد آشوکای هند دیده می‌شود. شاخص ترین بخش این سر ستون شامل چهار شیر غران است. «شیر در سر ستون سرنات نماد جهت شمال است زیرا جانورانی چون فیل، اسب، گاو و شیر از دیر باز (از عهد ودایی) نماد جغرافیایی بوده‌اند. این نمادها از یک سو بر قدرت حاکمیت آشوکا بر چهار جهت جغرافیایی تاکید دارند، و از سوی دیگر وسعت گسترش تعالیم بودا را در چهار سوی عالم مورد تایید قرار می‌دهند. شیر در اینجا به عنوان نمادی از شخص بوداست. بر اساس سنت شیر همکار پادشاه در قدرت است بنابراین شیر به عنوان نماد بودا کسی که شاهزاده سلطنتی بود، شناخته شده است. گر چه این جانور در اکثر فرهنگها مظهر قدرت است و انتخاب آن به عنوان نماد یک نظام (فکری، سیاسی یا دینی) بسیار طبیعی می‌نماید اما وقتی که ما به آثار هنری و حجاری پیش از عهد مورایی رجوع می‌کنیم و این آثار را تا عهد تمدن دره سند (۲۵۰۰ تا ۱۷۰۰ ق.م) پی می‌گیریم ندرتاً به نقش شیر بر می‌خوریم، حتی در مهرهای مکشوفه از موهنجودارو و هاراپا^{۱۲} که روی آنها به وفور شاهد نقوش جانوری هستیم، مهری با نقش شیر کشف نشده است. از سویی نقش شیر در

هنر ایران از قدیمی‌ترین ایام تا عهد هخامنشی رواج بسیار داشته است. اگر در شیوه واقع‌گرایی، تراش عمیق در ناحیه فرورفتگی آرواره، کشش ماهیچه‌ها و پنجه های قدرتمند شیرهای سر ستون سرنات دقیق شویم و این ویژگی را با شیرهای تخت جمشید ایران باستان قیاس کنیم تردیدی باقی نمی‌ماند که این آثار تحت تاثیر سنت پیکر تراشی هخامنشی شکل گرفته‌اند.» (ذکرگو، ۱۳۷۸، ۱۶-۱۸)

در نقش برجسته های هخامنشی شیران با چهره غران و خشمگین و عضلات منقبض و پنجه های قوی به تصویر درآمده اند و بیشتر حالت جنگ و جدال را دارند و نمادی از قدرت سلطنت و نیروی شر می‌باشند، اما در هنر هند حالت جنگ و جدال شیر و حالت تهدید آمیز آن دیده نمی‌شود مثلاً در تصویر ۴ چهره ناراسیمها از تجلیات ویشنو به صورت نیمه انسان نیمه شیر، بسیار معمولی و مهربان نشان داده شده است. سر، بیشتر شبیه به میمون است تا شیر و هیچ شباهتی با نقوش شیر در هنر ایران ندارد. اندام آن هیچ صلابت و آرمانگرایی ندارد. عناصر تزئینی کمتر است و هنرمند سعی بر واقعی جلوه دادن انسان- شیر داشته است. اما در نقش برجسته های دوره آشوکا و سر ستون سرنات، شیرها حالت شیرهای هخامنشی را دارند و در یالها به پیچ و تاب، بیشتر پرداخته شده است، هنرمندان هند سعی در واقعی نشان دادن یال های شیر دارند. در سر ستونهای تخت جمشید شیرها پشت به هم هستند ولی در سر ستون سرنات شیرها در چهار جهت جغرافیایی قرار دارند. در اساطیر ایران انسان با سر شیر، خدای زروان است و در هند ناراسیمها نیمه انسان- نیمه شیر از تجلیات ویشنومی باشد.

در نقش برجسته‌های هخامنشی تصویر شیر با سر انسان را می‌بینیم (تصویر ۸) که اصطلاحاً اسفنکس نامیده می‌شود. این اسفنکس‌ها که معمولاً به صورت قرینه مجسم شده‌اند به مضمون پرستش و نیایش اختصاص دارند و معمولاً در اطراف قرص بالرداری مجسم شده‌اند. این اسفنکس‌ها در شوش به صورت نیم رخ با سر انسان (مرد) به شیوه سر پادشاهان هخامنشی و بال افراشته عقاب مجسم شده‌اند. در هند نیز اسفنکس هندی به نام «پاراشامریگا»^{۱۳} ترکیبی از بدن شیر با سر انسان وجود دارد (تصاویر ۹ و ۱۰). اسفنکس‌های هندی با سر مرد و زن و بدون بال مجسم شده است و از لحاظ تجسمی صلابت و ابهت اسفنکس‌های هخامنشی را ندارند. کاربرد آنها به صورت نقش برجسته در سردر معابد برای دور کردن گناهان از زائران معبد در هند بود. همچنین اسفنکس‌ها نقش مهمی را در تشریفات مذهبی در معابد هندی ایفا می‌کردند. گاه



تصویر ۱۰: نقش برجسته اسفنگس هندی (زن)، معبد پرومال، ناتاراجا، چیدامبارام، هند
تریپووانا، هند شیر در اساطیر و هنر ایران و هند

شیر در اساطیر و هنر ایران و هند

هند	ایران
رئیس جانوران درنده و مرکب خدایان	نماد قدرت پادشاهی
مرکب خدایان، مرکب گانشا، مرکب الهه دورگا	مرکب الهه زمین
نماد بودا از تجلیات ویشنو	نماد میترا
سمبل درنده خوبی یکی از خدایان	سمبل نیروهای شر و اهریمن
نگهبان معابد و دور کننده گناهان از زائران	نگهبان قرص بالدار
سر شیر در جام‌ها ترسیم نشده است	سر شیر در جام‌های ایرانی مظهر هوشیاری
حالت عطوفت و سکون شیر در آثار هنری	حالت خشونت شیر در آثار هنری
در آثار هنری به صورت واقعگرا	در آثار هنری به صورت نمادین و تزئینی
انسان-شیر (ناراسیمها) نابود کننده اهریمن	انسان-شیر تجلی زروان یا به تعبیری دیگر اهریمن
سر ستون سرنات ۴ شیر درجهات جغرافیایی	سرستون تخت جمشید ۲ شیر پشت بهم
جدال انسان با شیر و حالت تهدید آمیز نیست	جدال شاه با هیولای شیر شکل
الهه دورگا سوار بر شیر با گاو میش می جنگد	در تخت جمشید شیر در جدال با گاو است
شیر با سر انسان بدون بال (اسفنگس) درنقش برجسته های معابد هندی	شیر با سر انسان بالدار (اسفنگس) در نقش برجسته های هخامنشی

نتیجه‌گیری

بنیان زندگی فرهنگی و اجتماعی جوامع باستانی در اساطیر آنها متجلی است. اساطیری که ریشه پیدایش حیوانات و انسانها در مجموع نظام کیهانی را بیان می‌کنند. با بررسی اساطیر ایران و هند به اشتراکات فراوان این دو تمدن درباره منشأ پیدایش جانوران و نیز دیدگاه تمدن باستان درباره نمادهای این جانوران، قدرت و استفاده آنها در جوامع کهن پی می‌بریم:

نقش شیر در هنر دو تمدن ایران و هند، ارتباط تنگاتنگی با هنر، اساطیر و مذهب این دو تمدن آشکار می‌کند. شیر در هر دو تمدن نمادی از ایزدان و قدرت

این اسفنگس ها مرکب خدایان در طی مراسم آیینی بودند. در نقش برجسته های هخامنشی تصویر مبارزه پادشاه با شیر که نماد قدرت پادشاه است نشان داده شده. اما در هند تصویر جدال انسان با شیر مشاهده نمی‌شود. در هند الهه دورگا سوار بر شیر با دیوگاو میش می‌جنگد که مبارزه خدای نظم علیه دیو بی نظمی و در تخت جمشید نیز شیر در جدال با گاو مشاهده می‌شود که مبارزه خیر و شر و نماد غلبه گرما بر سرما و آغاز بهار است با این تفاوت که در هنر هند، شیر مرکب الهه دورگا و نماد خوبی به مبارزه بادیوگاو میش می‌رود اما در تخت جمشید شیر نماد خورشید و روشنایی مستقیماً با گاو نماد ماه و تاریکی مبارزه می‌کند که به تعبیر دیگر این نبرد نماد آغاز سال نو نیز می‌باشد. (تصویر ۳ را با ۵ مقایسه کنید)



تصویر ۸: نقش برجسته اسفنگس، آجرهای لعابدار شوش، دوره هخامنشی.



تصویر ۹: نقش برجسته اسفنگس هندی (مرد)، معبد

پادشاهان است. در هر دو تمدن، نبردهای اساطیری شیر با گاو برای ستیز با شر و اهریمن می باشد.

از نظر تجسمی نقش شیر در هنر ایران با شکوه، صلابت، آرمانگرا و خشن تجسم شده؛ در حالیکه در هند شیر واقع گرا، حجم توده ای، فاقد تزئینات و شکوه (بجز عهد موریه) نمایان شده است. ترکیب سر شیر با بدن انسان (اسفنگس) در دو تمدن نماد نگهبان، محافظ معابد و کاخ های حکومتی بود و نقش آن در مراسم آیینی به کار می رفت.

نقش شیر بر روی آثار هنری ایران از دوران کهن بر روی مهرها و سنگها به چشم می خورد در حالیکه در تمدن هند نقش شیر بر روی مهرهای موهنجودارو دیده نمی شود و بیشتر در سلسله موریه هند که ارتباط هندیان با هنر ایران بیشتر شد، نقش شیر در قالب معماری و مجسمه مشاهده می شود. این حیوانات که منشاء توتمی دارند برای دو تمدن ایران و هند نمادهای خیر و گاه شر بودند.

◆ پی نوشت

۱. موهنجودارو (Mohenjodaro) تمدنی در دره سند (۲۶۰۰ ق.م)، واقع در استان سینده پاکستان امروزی.
۲. زروان (Zurvan)، نام خدایی که به باور فرقه ای از زرتشتیان به نام زروانیان، هرمز و اهریمن از او زاده شدند.
۳. تشریف یافتگان به کیش مهر به هفت مرتبه تقسیم می شدند. نماد مرتبه ۱. کلاغ ۲. عروس ۳. سرباز ۴. شیر ۵. پارسی ۶. پیک خورشید ۷. پدر.
۴. ناراسیمها (Narasimha)، چهارمین تجلی ویشنو برای رهایی جهان از ستم و تهاجمات اهریمن.
۵. ویشنو (Visnu)، از خدایان اصلی ریگ وداست
۶. دورگا (Durga) الهه ای است که خصایل چند ایزد بانوی محلی و الهه های فرعی مرتبط با کوه، گیاهان و آتش با او مرتبط است.
۷. گانشا (Gansha)، فرزند شیوا و پاروتی، ایزد فیل سر هندوان که به خردمندی شهرت دارد.
۸. موریایی (Muriwai)
۹. آشوکا (Ashoka)، شاهی از سلسله موریه که دو سده و نیم پس از بودا به ترویج بودا پرداخت.
۱۰. سرنات (Sarnath)، منطقه ای در بنارس هند، اولین مکانی که بودا به موعظه پرداخت.
۱۱. استوپا (Stupa)، بنایی است نیمکره ای شکل که در مرکز آن خاکستر بودا یا قدیسان قرار دارد. (مربوط به آیین بودایی و جینی)
۱۲. هاراپا (Harappa) منطقه ای در ایالت پنجاب هند.
۱۳. پاراشامریگا (Purushamriga) اسفنگس هندی با سر انسان و بدن شیر.

◆ فهرست منابع

۱. آموزگار ژاله و احمد تفضلی، شناخت اساطیر ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۱.
 ۲. ایونس، ورونیکا اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرخی، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲.
 ۳. بنیون، لارنس، روح انسان در هنر آسیایی، تهران: نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
 ۴. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران: انتشارات چشمه، ۱۳۷۵.
 ۵. جابز، گرترو، سمبلها (بخش جانوران)، ترجمه: محمدرضا بقاپور، تهران: نشر مترجم، ۱۳۷۰.
 ۶. دادور ابوالقاسم و الهام منصوری، درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: نشر کلهر، ۱۳۸۵.
 ۷. دادور، ابوالقاسم و مهتاب مبینی، جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان، تهران: نشر دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸.
 ۸. ذکرو، امیرحسین، اسرار اساطیر هند (خدایان ودایی)، تهران: نشر فکر روز، ۱۳۷۷.
 ۹. ذکرو، امیرحسین، از کوروش تا آشوکا، مجله هنر نامه، سال ۱، ش ۱، ۱۳۷۸.
 ۱۰. کرتیس، وستاسرخوش، اسطوره های ایرانی، ترجمه: عباس مخبر، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۸۱.
 ۱۱. گیرشمن، رمان، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، نشر کتاب، ۱۳۴۶.
 ۱۲. ویدن گرن، گنو، دین های ایران، ترجمه: دکتر منوچهر فرهنگ، نشر آگاهان ایده، تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۳. هال، جیمز. فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰
14. Jone R, Hinnell.s. printed in hong kong., (1985) Persian Myths,
- #### ◆ فهرست تصاویر
۱. فریه، ر. دبلیو. هنرهای ایران، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزبان، ص ۴۱، ۱۳۷۴.
 2. <http://www.crystalinks.com/persiangulfz.html>
 ۳. محمد پناه، بهنام. کهن دیار، نشر سبزان، ص ۹۱، ۱۳۸۵.
 4. <http://wikipedia.org/wiki/Narasimha>
 5. <http://www.esamskriti.com>
 ۶. کوماراسوامی، آناندا، مقدمه ای بر هنر هند، ترجمه: دکتر امیر حسین ذکرو، انتشارات روزنه، تهران، ص ۶۴، ۱۳۸۲.
 7. <http://en.wikipedia.org/wiki/sanchi>
 ۸. فریه، ر. دبلیو. هنرهای ایران، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزبان، ص ۳۶، ۱۳۷۴.
 - 9 و 10. www.wikipedia.org/wiki/sphinx